

دکتر تیم گامبیس ، غلاطیان، جلسه ۷ غلاطیان ۵: ۲-۲۶

تیم گومبیس و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر تیم گومبیس در حال تدریس در مورد کتاب غلاطیان است. این جلسه هفتم در مورد غلاطیان ۵ است. ۲۶-۲۶

این هفتمین سخنرانی در مورد غلاطیان است و در این سخنرانی ما غلاطیان ۵: ۲ تا آیه ۲۶، اساساً تمام غلاطیان ۵ را پوشش خواهیم داد، اما توجه خواهید کرد که بخش قبلی غلاطیان در ۵.۱ به پایان می‌رسد جایی که پولس آن نصیحت پایانی را بیان می‌کند، سپس به بخش جدیدی می‌رود که در آن می‌گوید، اینک من، پولس، به شما می‌گویم که اگر ختنه شوید، بنابراین مواقعی در کتاب مقدس ما وجود دارد که این آیه، که خیلی دیرتر اضافه شده است، بخشی از متن اصلی نیست.

این تأیید واقعاً با نحوه‌ی تجزیه و تحلیل متن برای توضیح آن مطابقت ندارد، اما گول این را نخورید. اما در آیات ۲ تا ۱۲ از فصل ۵، پولس تعدادی نصیحت به مسیحیان غیریهودی در غلاطیه می‌کند تا در برابر یهودی شدن مقاومت کنند. او در آیه ۲ می‌گوید: «اینک من، پولس، به شما می‌گویم که اگر ختنه شوید، مسیح برای شما هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.»

بنابراین، ماهیت استدلال پولس در آیات ۲ تا ۴ چیست، جایی که می‌گوید اگر آنها ختنه شوند، دیگر واقعاً هیچ ارتباطی با مسیح نخواهند داشت؟ در واقع، او در آیه ۴ صریح‌تر می‌شود: شما که به دنبال عادل شمرده شدن از طریق شریعت هستید، از مسیح جدا شده‌اید، از فیض سقوط کرده‌اید. خب، یک دیدگاه در مورد این نصایح یا منطق استدلال پولس این است که پولس می‌گوید اگر شما مسیحیان غیریهودی غلاطیه که با ایمان به مسیح آمده‌اید، اکنون از آن روی برگردانید و در مسیر تلاش برای کسب نجات از طریق تلاش‌های شریعت‌گرایانه گام بردارید، پس از فیض سقوط کرده‌اید و اکنون موظف هستید که تلاش برای اطاعت کامل از خدا را آغاز کنید.

این تا حدودی مبتنی بر آن تفسیر سنتی است که می‌گوید امکان اطاعت کامل برای کسب رستگاری وجود دارد، در حالی که ناگزیر، مردم کوتاهی خواهند کرد. من فکر می‌کنم که پولس، دوباره، صرفاً با همان منطقی کار می‌کند که تمام این مدت با آن کار کرده است، و آن این است که آن پویایی انحصاری وجود دارد که او می‌خواهد آنها از آن اجتناب کنند، یعنی، آنها می‌توانند در چارچوب قانون باشند. با این حال، خارج از آن بُعد انحصاری، جایی است که مسیح واقعاً در میان یهودیان و غیریهودیان حضور دارد.

جایی که مسیحیان یهودی هنوز کاملاً یهودی باقی مانده‌اند، اما در کنار خواهران و برادران غیریهودی خود در مسیح، خواهران و برادرانشان در ایمان، می‌نشینند و کاملاً با هم مشارکت می‌کنند. آنچه پولس می‌گوید این است که اگر این غیریهودیان غلاطیه که اینجا هستند ختنه شوند، یعنی این نماد گرویدن به یهودیت است. اگر آنها ختنه شوند، یعنی به رعایت کامل شریعت موسی روی آورند، پولس به آنها می‌گوید که این بازگشت آنها به این شیوه‌ی انحصاری وجود است که در آن فقط با یهودیان دیگر معاشرت می‌کنند و خود را از غیریهودیان جدا می‌کنند.

خب، در سناریوی پولس، مسیح اینجا حضور دارد. او جایی است که خدا در حال حاضر در حال ساختن این خانواده واحد و چند قومیتی از خداست. بنابراین اگر مسیحیان غلاطیه ختنه شوند، موظفند کل شریعت موسی را رعایت کنند، و پولس با این درک که در غلاطیه رواج دارد، کار می‌کند که رعایت شریعت آنها را از

معاشرت با غیریهودیان جدا می‌کند. بنابراین، این به نوعی به معنای محدودکننده، به معنای جدا کردن، و البته انجام این کار آنها را از مسیح جدا می‌کند.

بنابراین، آنها از فیض سقوط می‌کنند زیرا فیض در اینجا وجود دارد. آنها به جایی برمی‌گردند که فیض در آنجا نیست. با رفتن به آیات ۵ و ۶، پولس می‌گوید، ظهور دیگری از «ما» وجود دارد، و در اینجا فکر نمی‌کنم که پولس صرفاً در مورد ما مسیحیان یهودی‌نژاد صحبت می‌کند، بلکه او در مورد همه کسانی که با ایمان در مسیح هستند صحبت می‌کند.

و او به نوعی، این یک جایگزین برای این سناریو است. بنابراین، او اساساً در مورد همه کسانی که در این موقعیت هستند صحبت می‌کند. زیرا ما، با ایمان، از طریق روح، منتظر امید عدالت هستیم، و این اصطلاح در واقع همان اصطلاح توجیه، امید توجیه است.

بنابراین، دوباره، اگر وضعیت فعلی در غلطیه را اینگونه پیکربندی کنید که چه گروهی از مردم در آن روز آخر توجیه می‌شوند، یا چه گروهی از مردم در حال حاضر از توجیه برخوردارند، و خدا بر چه گروهی از مردم آن حکمی را صادر کرده است که هیچ کس واقعاً نمی‌شنود، اما در بهشت شنیده می‌شود، ما آن را با ایمان می‌پذیریم. چه گروهی از مردم به عنوان قوم توجیه شده خدا مشخص شده‌اند؟ خب، پولس می‌گوید این ما هستیم. کسانی از ما هستیم که اینجا هستیم.

ما، از طریق روح، با ایمان، منتظر آن روز آینده هستیم که فرا برسد و در آن روز با ایمان عادل شمرده شویم. افرادی که از این واقعیت هستند، به سادگی در عادل شمرده شدن شرکت نخواهند کرد. این یک راه نادرست است.

چهارم، آیه ششم، در مسیح عیسی، نه ختنه شدن و نه نامختونی هیچ معنایی ندارند، جز ایمانی که خود را در عشق به اثبات می‌رساند. بنابراین، محرک تمام این منطق، این واقعیت است که در مسیح، تمایز قومی اهمیتی ندارد. فرقی نمی‌کند برزیلی، روسی، کانادایی، ونزوئلایی، یهودی یا غیر یهودی باشید.

همه آن تمایزات اکنون وجود دارند، و دیگر چیزی نیستند که خانواده خدا را متمایز کنند. اینطور نیست که تمایزات قومی بی‌اهمیت باشند. در واقع، شاید بخواهیم اینطور بگوییم.

هر ویژگی قومی در مسیح کاملاً مورد تکریم قرار می‌گیرد، زیرا مردم هنوز همان کسانی هستند که هستند. یهودیان هنوز یهودی هستند و این چیز فوق‌العاده‌ای است. ترک‌ها هنوز ترک هستند.

مصری‌ها هنوز مصری هستند. در روزگار ما، مردان هنوز مرد هستند. زنان هنوز زن هستند.

آمریکایی‌ها هنوز آمریکایی هستند. میشیگانی‌ها هنوز میشیگانی هستند. فقط این ما هستیم که در مسیح هستیم، و آن هویت اساسی، یعنی در مسیح بودن، چیزی است که واقعاً اهمیت دارد.

اما در مورد ارزش‌های مردم، پولس در آیه ششم می‌گوید که نه ختنه شدن و نه ختنه نشدن هیچ معنایی ندارند. و این در برداشت یهودی از چیزها بسیار رادیکال است، زیرا برای یهودیانی مانند پولس، جهان بینی موروثی آنها این تمایز را به عنوان تمایز اساسی در واقعیت در نظر می‌گرفت. قوم خدا وجود دارد و سپس دیگران.

و بنابراین، یهودی بودن یا نبودن، در واقع برای هویت یک فرد اساسی و حیاتی بود. ما دوباره شاهد ظهور این موضوع خواهیم بود. این واقعاً اعتراف اساسی پولس در مورد اختلافات مربوط به هویت یهودی

است، زیرا او آن را در فصل ششم، آیه ۱۵ تکرار می‌کند، جایی که دوباره می‌گوید، او با این استدلال اساسی از یک ادعا پشتیبانی می‌کند، زیرا نه ختنه چیزی است و نه ختنه نشدن، بلکه خلقتی جدید است.

بنابراین این به کل آن قلمرو، آن قلمرو خلقت جدید، مربوط می‌شود. آنچه مهم است، سکونت در آن قلمرو به عنوان یک مرد، زن، برده، آزاد، یهودی یا غیر یهودی است. این تمایزات اهمیتی ندارند.

آنچه مهم است، هویت در مسیح است. سپس پولس در آیه هفتم، با طرح یک سوال، نصیحتی می‌کند. شما ای غلاطیان، خوب عمل می‌کردید.

شما خوب شروع کرده بودید. شما آن مسابقه را به خوبی به سمت روز مسیح در آینده آغاز کردید. چه اتفاقی برای شما افتاد؟ چه کسی مانع شما از اطاعت از حقیقت شد؟ یک نکته کوچک و ظریف دیگر به آنچه که اینجا گفته‌ام این است که پولس صرفاً ایمان آوردن را با آن اصطلاح تاریک، یعنی اطاعت، در تضاد قرار نمی‌دهد.

او تصور می‌کند که آزادی در مسیح، اطاعت است. این فقط اطاعت از حقیقت است. پس چه کسی مانع شما شد؟ چه کسی شما را از مسیر فیض در مسابقه‌تان به سوی روز آخر مسیح بیرون راند؟ آیه هشتم، این ترغیب از جانب کسی نیست که شما را فرا می‌خواند.

یعنی، تعلیمی که به غلاطیه رسیده این است که شما مسیحیان غیریهودی باید تغییر دین دهید و یهودی شوید. آن صدا، آن ندا از جانب کسی که شما را می‌خواند نیست. این از جانب خدا نمی‌آید.

توجه داشته باشید که پولس نمی‌گوید، یهودیت از جانب کسی که شما را می‌خواند نیست، زیرا یهودیت فقط یک واقعیت است که بر تعدادی از مردم تأثیر می‌گذارد. او نمی‌گوید که شریعت از جانب کسی که شما را می‌خواند، نمی‌آید.

به همین دلیل است که قبلاً در غلاطیان ۳ گفته‌ام که وقتی او در مورد شریعت صحبت می‌کند، منظورش خود شریعت نیست. منظور او اساساً این ترغیب است. این ترغیب از ایمان نیست.

شما با این ترغیب، عادل شمرده نمی‌شوید. به دلیل همین ترغیب، این دیدگاهی است که از مبلغان یهودی به غلاطیه می‌رسد، نه از کسی که شما را فرا می‌خواند. مشکل، باز هم، خود شریعت موسی نیست.

مشکل این است که غیریهودیان یهودیت را می‌پذیرند. مشکل این است که هر کسی این اعتقاد یا تعلیم را می‌شنود که برای بهره‌مندی کامل از رستگاری خدا باید قومیت خود را تغییر دهید. مشکل این است.

در آیات ۹ و ۱۰، پولس دوباره به تثنیه ۲۷، همان بخشی که قبلاً به آن اشاره کردیم، استناد می‌کند. در غلاطیان ۳:۱۰، پولس به تثنیه ۲۷:۲۶ استناد می‌کند. در تثنیه ۱۵:۲۶-۲۷، آن بخش از تثنیه ۲۷ است که در آن لعنت‌هایی را بر افرادی که به شیوه‌های منحرف و به طرز ظالمانه و شنیعی گناه می‌کنند، نازل می‌کند، به طوری که این افراد به طور خاص توسط خدا نفرین شده‌اند و باید از قوم پیمان خارج شوند.

خب، در آیات ۹ و ۱۰، پولس می‌گوید: «اندکی خمیرمایه، تمام خمیر را ور می‌آورد.» البته اگر ذره‌ای از یک عامل بیماری‌زا داشته باشید که در نهایت کل خمیر را فرا بگیرد. آیه ۱۰: من به شما در خداوند اطمینان دارم که نظر دیگری نخواهید داشت، جز اینکه کسی که شما را آزار می‌دهد، هر که باشد، مجازات او را خواهد دید.

بنابراین، پولس به این واقعیت اشاره می‌کند که اگر شخصی در میان قوم عهد باقی بماند که عمداً از خدا نافرمانی می‌کنند، آن نافرمانی عمدی و نفرین او، نفرینی که متحمل می‌شود، بر تمام قوم عهد تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین، او باید بیرون رانده شود. به همان روشی که در آیه ۹ آمده است: «کمی خمیرمایه، تمام خمیر را ور می‌آورد».

پولس می‌خواهد که این [مشکل/مشکلات/...] برطرف شود، که منظورش این است که آن مبلغان یهودی را از جماعت‌های غلاطیه بیرون کنید، زیرا آنها آموزه‌ای را منتشر می‌کنند که برکت جامعه شما را به خطر می‌اندازد. آنها را بیرون کنید. در آیه ۱۱، پولس در اینجا نکته‌ای واقعاً جذاب می‌گوید.

او می‌گوید، اما من، برادران، اگر هنوز ختنه را موعظه می‌کنم، چرا هنوز مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرم؟ پس مانع صلیب برداشته شده است. منظور او از انکار موعظه ختنه چیست؟ آیا این است که پولس گاهی اوقات ختنه را موعظه می‌کند؟ ممکن است این یک اتهام باشد، منظوری این است که برخی از مفسران پیشنهاد کرده‌اند که این اتهامی از سوی آشوبگران آنجا در غلاطیه بوده است، که پولس گاهی اوقات ختنه را موعظه می‌کند، گاهی اوقات نه، بسته به موقعیت، نمی‌تواند به او اعتماد کند. من خیلی مطمئن نیستم که منظور او همین باشد.

من فکر می‌کنم او فقط دارد اشاره می‌کند که زمانی پولس بخشی از آن گروهی بود که در فصل اول آن را یهودیت می‌نامد. او بخشی از آن گروهی بود که طرفدار پاکی قوم تاریخی خدا، یعنی یهودیان، بودند و بخشی از آن گروهی بود که سعی در طرد و اجتناب از هرگونه نفوذ فاسد خارجی داشتند. این هدف سابق او بود و اکنون در واقع مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد زیرا چیزی کاملاً متفاوت را موعظه می‌کند. او در واقع موعظه می‌کند که مسیحیان یهودی باید افرادی را که قبلاً گناهکار می‌دانستند، کاملاً بپذیرند.

بنابراین، او مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد زیرا اکنون کاری کاملاً متفاوت انجام می‌دهد. و اگر او ختنه را موعظه می‌کرد، آنگاه صلیب مانعی برای قومش نمی‌بود. اما می‌توانید تصور کنید که اگر افرادی که این اعتقاد را دارند که یهودیان باید برای پاکی قوم خدا از غیریهودیان جدا بمانند تا از آلودگی به گناه جلوگیری شود شنیدن این حرف که برای نجات واقعی این مردم توسط خدای اسرائیل، شنیدن این حرف یک مانع بزرگ است، باید با گناهکاران معاشرت کنند.

خب، این یک مانع بزرگ است. و پولس ادعا می‌کند که این مانع در واقع به لطف موعظه‌های او پابرجا مانده است. انجیل همچنان برای قوم تاریخی خدا، یعنی یهودیان، یک رسوایی است، زیرا آنها را فرا می‌خواند. تا خود را در کنار افرادی قرار دهند که از نظر تاریخی گناهکار می‌دانستند.

باز هم، اگر به تصویر قبلی که داشتم فکر کنیم، خلقت قدیم، عصر شیطانی کنونی و خلقت جدید، همه اینها بخشی از طرز فکر عصر شیطانی کنونی است و این بخشی جدایی‌ناپذیر از واقعیتی است که صلیب کاملاً آن را در هم شکسته است. باز هم، بُعد کیهانی برای پولس بسیار مهم است. صلیب قلمرویی از هستی را به کام مرگ کشانده و ما را به آنچه که واقعاً زندگی است، هدایت کرده است.

این یعنی تعصبات و پیش‌فرض‌های قدیمی من، هرچند با آن دنیا مرتبط هستند، باید از بین بروند، که یعنی بسیاری از مسیحیان را معذب می‌کند. انجیل اغلب برای مسیحیان یک واقعیت رسواکننده است، زیرا ما را فرا می‌خواند تا فرهنگ‌های موروثی خود را از بین ببریم یا حداقل خودمان را به نوعی برای آنها مرده بدانیم. سپس پولس در آیه ۱۲ به این جمله بسیار تحریک‌آمیز روی می‌آورد که می‌گوید: «کاش کسانی که نفس خود را آزار می‌دهند، خود را مثله می‌کردند.» اساساً، او از این مبلغان یهودی می‌خواهد که نه تنها خودشان ختنه شوند، بلکه خود را اخته کنند.

جداً، پولس در این نامه خیلی هیجان زده است. آن بخش از نامه پولس واقعاً نباید برای هیچ کس الهام بخش زندگی باشد. مطمئناً، این بخشی است که باید در آموزش آن به پسران راهنمایی مراقب باشید.

بنابراین، پولس اکنون در مورد قانون آزادی صحبت می کند و در آیات ۱۳ تا ۱۵ به بحث در مورد آزادی «می پردازد...». زیرا شما به آزادی فراخوانده شده اید، اما آزادی خود را به فرصتی برای نفس تبدیل نکنید بنابراین، باز هم، آزادی مسیحی نوع بسیار متفاوتی از آزادی است تا نوعی آزادی خواهانه برای انجام هر کاری که می خواهید انجام دهید. و او می گوید... «: آزادی خود را به فرصتی برای نفس تبدیل نکنید.» منظورم این است که شما به این قلمرو آزادی فراخوانده شده اید، که نوعی واقعیت غیرمنتظره است، اما از وجود خود در آنجا برای ایجاد پایگاه عملیاتی برای ورود نفس به جامعه و آسیب رساندن استفاده نکنید.

و در اینجا، پولس لزوماً در مورد جسم یک فرد صحبت نمی کند، می دانید، من جسم یا خواسته های جسمانی خودم را دارم. او در واقع در مورد این قدرت کیهانی جسم صحبت می کند که نوعی انگیزه ضد خدایی در درون بشریت است که از خود انسان ها فراتر می رود و در تلاش است تا زندگی جامعه را آلوده و تحت تأثیر قرار دهد و آن را به آن شیوه برده داری از وجود که در عصر شیطانی کنونی مشخص می شود، تبدیل کند. اهداف قدرت کیهانی جسم اساساً نابودی جوامع آفرینش جدید است.

و من مطمئن نیستم که پولس واقعاً در اینجا منظورش از لذت های جسمانی این بوده باشد که ما در مورد آنها چه فکری می کنیم، مثلاً اینکه شما به آزادی فراخوانده شده اید، اما مراقب باشید که در لذت های جسمانی خود غرق نشوید. من فکر می کنم منظور پولس در اینجا این است که شما به آزادی فراخوانده شده اید؛ یعنی باید در این واقعیت ساکن شوید و در برابر فراخوان بازگشت به این واقعیت برده ساز مقاومت کنید. اما پولس می داند که در جامعه ی غلاطیه، آنها باید به نوعی از این مبلغان یهودی فاصله بگیرند.

چیزی که او می خواهد آنها بفهمند، روشی است که برای حل این مناقشه و التیام شکاف هایی که در جامعه ایجاد شده است، به کار می برند؛ روشی که آنها برای حل همه این مسائل به کار می برند نیز ناپایدار است زیرا راه هایی برای حل مناقشه در جامعه وجود دارد که به مردم آسیب می رساند. راه هایی وجود دارد که می توانیم درک کنیم که باید به عنوان یک جامعه به جلو حرکت کنیم که منجر به محکوم کردن افرادی می شود که مشکل ایجاد کرده اند. یا راه هایی برای مقابله با افرادی که مشکل ایجاد کرده اند وجود دارد، به گونه ای که آنها را در یک محفظه قرار می دهیم و آنها را در گوشه ای قرار می دهیم و واکنش های خشمگینانه ای را از آنها برمی انگیزیم.

بنابراین، حتی در حل و فصل اختلافات، پولس از این افراد می خواهد که بسیار بسیار محتاط باشند. ما از یکدیگر درخواست کمک می کنیم. ما به دنبال ایجاد صلح هستیم.

ما به عنوان جوامع خلقت جدید، با جسارت به جلو حرکت می کنیم، اما نه به شیوه ای که هر یک از اعضای جامعه را به عنوان افراد بد به حاشیه برانیم یا به نوعی آنها را در جایگاه محکومیت قرار دهیم، که فکر می کنم، باز هم، تأملات بسیار جالبی را در مورد جامعه کلیسای امروز ما برمی انگیزد. راه هایی وجود دارد که می توانیم زندگی در کلیسا را تصور کنیم که اغلب به جسم فرصت آسیب زدن می دهد، راه هایی که اختلافات را حل می کنند، راه هایی که فکر می کنیم می توانیم از فرصت ها استفاده کنیم، یا چیزهایی که آنها را به عنوان مانع می بینیم. بینش مسیحی باید دائماً اولویت ها و اهداف انجیل و منطق انجیل را مورد بازنگری قرار دهد تا در دام منطق دنیوی نیفتد، که ناگزیر به جامعه مسیحی آسیب می رساند.

بنابراین، از آزادی خود به عنوان فرصتی برای نفس استفاده نکنید، بلکه در پایان آیه ۱۳، از طریق عشق، به یکدیگر خدمت کنید. بنابراین، حتی در بهبودی از این وضعیت، باید با عشق و خدمت مشخص شود زیرا

این عشق و خدمت قلب و روح عیسی است. به یاد داشته باشید، در غلاطیان ۲:۲۰، پولس می‌گوید، من به وفاداری پسر خدا که مرا دوست داشت و خود را برای من فدا کرد، زندگی می‌کنم.

بنابراین، عشق و خدمت همان چیزی است که جامعه مسیحی با آن مشخص می‌شود، زیرا اگر حضور عیسی توسط روح در جامعه نفوذ کند، این باید منجر به عشق و خدمت شود. در واقع، پولس برای کل شریعت به خود شریعت موسی برمی‌گردد؛ در واقع، این کل نکته شریعت موسی است که از لاولیان ۱۹ سرچشمه می‌گیرد. کل شریعت در این یک کلمه تحقق می‌یابد.

تمام نکته همین است. همسایه‌ات را مانند خودت دوست بدار. اما اگر یکدیگر را گاز بگیری و بخورید، اگر به هم حمله کنید و در نهایت با هم درگیر شوید، مراقب باشید، مبادا توسط یکدیگر از بین بروید.

بنابراین، موقعیت‌هایی که نیاز به رهایی دارند و درگیری‌هایی که باید بر آنها غلبه شود، می‌توانند به روش‌هایی مورد توجه قرار گیرند که در واقع درگیری را بیشتر کنند. در واقع می‌توانند به روش‌هایی مورد توجه قرار گیرند که به مردم آسیب می‌رسانند و جامعه مسیحی را نابود می‌کنند. بنابراین، ما باید بسیار مراقب باشیم که حتی در پروژه‌های نوسازی جامعه خود، مواضعمان نسبت به یکدیگر، اهدافمان، مقاصدمان، و کل دیدگاهمان سرشار از عشق و خدمت باشد، که انجیل ما را به سوی آن سوق می‌دهد، و به گفته پولس، این همان چیزی است که شریعت ما را به سوی آن سوق می‌دهد.

اگر کتاب مقدس درست خوانده شود، جوامعی از عشق و وفاداری فداکارانه را پرورش می‌دهد. اگر کتاب مقدس اشتباه خوانده شود، افرادی را به وجود می‌آورد که خودی و افرادی را که بیگانه هستند، که در میان قوم خدا قرار دارند، و این چیز خوبی نیست. بسیار خوب، به بقیه غلاطیان ۵، آیات ۱۶ تا ۲۶، که پولس در اینجا به تصویر می‌کشد، برگردیم به سناریوی آخرالزمانی ما، پولس قرار است دو قلمرو را که در تضاد هستند به تصویر بکشد.

و او، دوباره، درست همانطور که لحظه‌ای پیش اشاره کردم، این قلمرو را به عنوان قلمرویی که جسم بر آن حکومت می‌کند، به تصویر می‌کشد. و در اینجا، او این را قلمرو روح می‌نامد. و در اینجا، درست مانند تعدادی دیگر از متون پولس، او این دو قلمرو را دارای پویایی می‌بیند.

اینها فقط دو مکان خنثی و ایستا نیستند. اینجا اتفاقاتی در حال رخ دادن است. اینجا در قلمرو روح، پویایی‌های زایشی وجود دارد، و اینجا در قلمرو جسم، پویایی‌های زایشی.

آنچه پولس در اینجا می‌خواهد بگوید این است که آن پویایی‌های مولد در اینجا مخرب هستند و پویایی‌های مولد در اینجا حیات‌بخش و پربار هستند. و آنچه پولس اساساً در این متن به آن اشاره می‌کند این است که جامعه غلاطیه قادر خواهد بود بگوید چه نوع جامعه‌ای است. آیا این یک جامعه روح‌محور و تولیدکننده میوه است؟ یا یک جامعه جسم‌محور و دارای اعمالی از جامعه جسم‌محور است؟ این متن در غلاطیان ۵ و پس از آن، که در اولین سخنرانی‌مان به آن اشاره کردم، به نظر می‌رسد که نویدهای زیادی برای زندگی ۱۶ مسیحی ارائه می‌دهد، اغلب از نظر یک نوع معنویت فردی خوانده می‌شود.

یعنی اگر شما به عنوان یک فرد، با روح راه بروید، اگر من به نوعی از روح پر شده باشم و بتوانم در روح راه بروم، این اغلب به عنوان نوعی حالت وجودی معنوی فردی دیده می‌شود که به موجب آن میوه ناگزیر و به طور طبیعی از من تولید می‌شود. بنابراین، من می‌توانم خودم را به این نوع مکان معنوی برسانم که در آن روح از من میوه تولید می‌کند. از طرف دیگر، می‌توانید بگویید که آیا من به نوعی در جسم راه می‌روم یا نه، زیرا رفتار بدی خواهم داشت.

و برای اینکه به عنوان یک فرد از رفتار بد اجتناب کنم، لازم نیست فقط از چیزهای خاصی اجتناب کنم و انواع دیگری از اعمال را انجام دهم. نکته کلیدی این است که خودم را به جایی برسانم که توسط روحم توانمند شوم. و روح به طور طبیعی این چیزها را از من تولید خواهد کرد.

خب، من فکر می‌کنم در مورد دیدگاه فردی و فردگرایانه به معنوی بودن، مشکلاتی وجود دارد. به نظر من این دیدگاه مبتنی بر تعدادی از متون است که به خوبی تفسیر نشده‌اند، اما پولس در اینجا در مورد یک فرد صحبت نمی‌کند و او تصویری از معنوی بودن یک فرد ندارد. او در مورد انواع پویایی‌های کیهانی صحبت می‌کند که جوامع را زنده می‌کند.

در واقع، اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، پولس می‌خواهد به مخاطبانش لnzهای تشخیص را اعطا کند. شما می‌توانید تشخیص دهید که چه زمانی یک پویایی کیهانی جان‌بخش خاص بر جامعه شما غلبه می‌کند، و چه زمانی یک پویایی کیهانی جان‌بخش دیگر در جامعه شما در حال فعالیت است. شما می‌توانید به صورت فیزیکی، چیزهایی را که در حال فعالیت هستند، ببینید.

از یک طرف، می‌توانید ثمرات روح را ببینید که وقتی مردم به یکدیگر عشق می‌ورزند و به هم خدمت می‌کنند، متولد می‌شوند، جایی که امید تولید می‌شود و غیره. می‌دانید که روح در کار است. این چیزی است که باید مراقب آن بود.

وقتی این پویایی‌های دیگر را در حال کار می‌بینید، اعمال نفس، جایی که بت‌پرستی در کار است، جایی که نزاع و حسادت و دسته‌بندی‌ها و اختلافات وجود دارد، می‌دانید که جامعه‌ای دارید که توسط نفس، توسط قدرت کیهانی نفس که سعی در نابودی جوامع دارد، به حرکت در می‌آید. کاری که پولس می‌خواهد انجام دهد این است که به شما نشان دهد که در اینجا وضعیتی دارید که معلمانی وجود دارند که آموزه‌های جدیدی را ارائه داده‌اند که من به شما نیاموخته‌ام، و شما یک پویایی اجتماعی از تفرقه، دلسردی، دسته‌بندی، دعوا و حمله به یکدیگر دارید. متوجه شوید که این آموزه از کجا می‌آید.

این از قلمرو کیهانی می‌آید که قصدش نابودی جامعه شماست. روی پرورش این رفتارهای جایگزین خدمت و عشق متقابل کار کنید، و خواهید دید که در برانگیختن حضور روح در جامعه خود فعال خواهید بود. بنابراین، پولس به غلاطیان لnzهای تشخیص می‌دهد تا بتوانند بفهمند چه نوع پویایی کیهانی در جامعه‌شان در حال اجرا است.

خب، در آیه ۱۶، پولس این نصیحت آغازین را می‌دهد. من می‌گویم، به عنوان یک جامعه، به روح رفتار کنید. این یک دستور فردی نیست.

یعنی، در این قلمرو روح زندگی کن. در روح قدم بردار. و اگر اینجا زندگی کنی، خواسته‌های نفس را که نابودی زندگی اجتماعی است، انجام نخواهی داد.

نفس، امیال خود را در مقابل روح و روح را در مقابل نفس قرار می‌دهد. این دو در تضاد هستند. حال ۴، این به آن معنا نیست که در درون خودم به عنوان یک فرد، نیروی نفس و نیروی روح با هم در جنگ هستند.

با این حال، این می‌گوید که این دو قلمرو، قلمروهایی در تضاد هستند. شما، جامعه مسیحی، شما غلاطیان در نقطه تلاقی اعصار قرار دارید. و باید متوجه باشید که این دو قلمرو کیهانی با یکدیگر در جنگ هستند و سعی در ایجاد اثرات متفاوت دارند.

حالا، این موردی است که یک فرد ممکن است هر دوی آنها را احساس کند. مطمئناً، همینطور است، اما جوامع نیز هر دوی آنها را احساس می‌کنند. پویایی‌های اجتماعی وجود دارد که می‌توانید احساس کنید از روح ناشی می‌شوند.

یک جامعه می‌خواهد با هم شادی کنند. آنها می‌خواهند از معاشرت با یکدیگر لذت ببرند. آنها می‌خواهند در الگوهای اجتماعی فداکاری و عشق متقابل مشارکت داشته باشند.

همچنین، جوامع می‌توانند این پویایی‌ها را تجربه کنند. ناگزیر رقابت مخرب وجود دارد. ناگزیر رنجش‌هایی ایجاد می‌شود.

و شما می‌توانید در هر جامعه‌ای، هر جامعه مسیحی، دو نیروی کیهانی را در حال کار ببینید. و این همان چیزی است که پولس هدف قرار می‌دهد. و او اینجا می‌گوید، که بسیار بسیار جالب است، تا شما در پایان آیه ۱۷ کارهایی را که دوست دارید انجام ندهید.

این دو با هم در جنگ هستند، بنابراین ممکن است نتوانید کارهایی را که می‌خواهید انجام دهید. باید بگویم که من به نوعی بین دو تفسیر از آن عبارت آخر گیر کرده‌ام. ممکن است پولس بگوید که چون شما در تقاطع اعصار زندگی می‌کنید و به نوعی اثرات هر دو قلمرو کیهانی را در تضاد با جامعه خود احساس می‌کنید، نمی‌توانید هر کاری را که می‌خواهید انجام دهید.

فکر می‌کنم جان بارکلی این تعبیر را برداشت می‌کند که تا حدودی منطقی است. چون شما به نوعی در وسط یک منطقه جنگی هستید، نمی‌توانید هر کاری که دلتان می‌خواهد انجام دهید. بنابراین تشخیص دقیق در مورد راه‌های مقابله با این جامعه ضروری است.

اما من این برداشت جایگزین را نیز در نظر گرفته‌ام که پولس ممکن است بگوید اینها در تضاد با هم هستند، به طوری که اگر سعی کنید با جنگیدن به آن جامعه‌ای که می‌خواهید برسید، نمی‌توانید آن را به وجود آورید. به عبارت دیگر، شما، غلاطیان، در حال حاضر یک جامعه در اینجا هستید. من می‌خواهم که شما به زندگی در این قلمرو روح بازگردید.

و چون شما به نوعی در نقطه تلاقی اعصار هستید، برخی از شما، نوع جامعه‌ای را که می‌خواهید ایجاد کنید، در ذهن دارید. خوب، اگر سعی کنید با اجبار و وادار کردن دیگران به دوست داشتن خود به آنجا برسید نمی‌توانید آن را محقق کنید. زندگی در این قلمرو و تمرکز نه بر اهداف برای جامعه‌تان، بلکه بر اعمال فوری عشق فداکارانه که قرار است نوع جامعه‌ای را که خدا برای شما می‌خواهد، ایجاد کند.

و ممکن است با الگوهای از پیش تعیین‌شده‌ی شما مطابقت نداشته باشد. به هر حال، فقط برای گفتن، من به تفسیر کاملاً رضایت‌بخشی از آن عبارت پایانی در آیه‌ی ۱۷ برنخورده‌ام، اما به نظر من واضح است که این قدرت کیهانی جسم در نبرد است، در نبرد با قدرت کیهانی روح است، این قلمرو جدیدی که خدا به واسطه‌ی مرگ و رستاخیز مسیح آفریده است، و او بر آن نظارت دارد، که خداوند مسیح بر آن نظارت دارد، و خداوند مسیح به وسیله‌ی روح خود در آن نفوذ می‌کند. این دو قلمرو در رقابت هستند.

کمترین چیزی که می‌توانیم بگوئیم این است که قرار گرفتن در میانه‌ی آن جنگ کیهانی مستلزم تشخیص دقیق در مورد راه‌های پیش روی جامعه است. به آیه‌ی ۱۸ می‌رسیم، اما اگر شما، که جمع شما است، اگر همه‌ی شما به عنوان یک جامعه توسط روح هدایت می‌شوید، تحت شریعت نیستید. به عبارت دیگر، نه اینکه آنها هیچ ارتباطی با شریعت موسی ندارند، اما آن نوع جامعه، که توسط روح هدایت می‌شود، نیازی به بازگشت به دنیای قدیم ندارد، جایی که این ترغیب از آنجا به شما در غلاطیه می‌رسد.

شما ملزم به پذیرش هویت یهودی نیستید. با این حال، جامعه غلاطیه باید رابطه‌ای مداوم و قوی با شریعت موسی داشته باشد، اما از آنجا که غلاطیان غیریهودی هستند، باید شریعت موسی را بخوانند، تکرار کنند و بشنوند زیرا از این طریق است که با خدای اسرائیل آشنا می‌شوند. بنابراین، آنها شریعت موسی را به عنوان کتاب مقدس می‌خوانند و در نظر می‌گیرند، بدون اینکه جنبه‌های خاص اسرائیل از شریعت موسی را بپذیرند.

ارتباط با شریعت موسی به عنوان یک غیریهودی تا حدودی پیچیده است، زیرا این قانون برای ما، آنطور که برای اسرائیل است، منشور ملی نیست، بلکه به این دلیل است که در صفحات شریعت، ما خدای اسرائیل را می‌شناسیم، غیریهودیان باید شریعت را بشناسند، تورات را بشناسند، با ادبیات حکمت و انبیا آشنا شوند. آیات ۱۹ تا ۲۳ در واقع قلب این بخش هستند، جایی که پولس به غلاطیان توصیه می‌کند که چگونه تشخیص دهند چه زمانی پویایی این قلمروهای رقیب در حال ظهور و فعالیت است. از یک سو، اعمال نفس آشکار است.

یعنی، پویایی‌هایی که این قلمرو در یک جامعه ایجاد می‌کند، مشهود است، یا پویایی‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای به نوعی تجربه خواهد کرد، مشهود است و نشان می‌دهد که یک جامعه عمیقاً در آن قلمرو ریشه دارد. آنها چه هستند؟ خب، بت‌پرستی، جادوگری، دشمنی‌ها، یعنی مردم را در مقابل یکدیگر قرار دادن، نزاع، حسادت، رقابت مخرب، همه آن چیزهایی که می‌توانند در کلیساها بسیار زنده باشند، طغیان خشم، اختلافات، اختلافات، دسته بندی‌ها، حسادت، مستی، عیاشی و چیزهایی از این قبیل. اینها، در بسیاری از موارد، رفتارهای جمعی هستند که می‌توانند در این قلمرو توسعه یابند.

و پولس می‌گوید وقتی این نوع رفتارها را می‌بینید، می‌توانید تشخیص دهید که چه زمانی یک جامعه در آنجا زندگی می‌کند. همه آنها را با نهایت جدیت بپذیرید. فکر می‌کنم جالب است، من همیشه وقتی این فهرست‌های رذایل را در عهد جدید می‌خوانم، کمی مکث می‌کنم، زیرا به نظر می‌رسد که مسیحیان می‌خواهند گناهان را رتبه‌بندی کنند، اجتناب‌ناپذیر است.

بعضی از آنها از بقیه زنده‌تر به نظر می‌رسند، مثل جادوگری، مستی، عیاشی، بت‌پرستی، ناپاکی و شهوت‌رانی. اینها بد به نظر می‌رسند.

اگر ببینیم مردم این‌طور رفتار می‌کنند، تا حدودی می‌خواهیم تنبیه کلیسایی را شروع کنیم. اما اگر بخواهیم، جناح‌بندی یا دسته‌بندی داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم که این فقط زندگی عادی کلیسا است. حسادت، غبطه خوردن.

وقتی در یک هیئت مذهبی بودم، برایم جالب بود که ببینم حسادت‌های حرفه‌ای که فکر می‌کردم فقط در دنیای تجارت وجود دارند، واقعاً در هیئت کلیسایی که من در آن بودم، زنده و پویا بودند. دلیل اینکه این گناهان و رفتارهای گناه‌آلود ظاهراً نه چندان بزرگ، در همان سطح سایر گناهانی هستند که به نظر ظالمانه می‌آیند، این است که همه آنها با هم هستند و همه آنها برای زندگی جامعه مخرب هستند. و اگر خدا پسر را فرستاد تا بمیرد و او را از مردگان برخیزاند، جامعه‌ای جدید ایجاد کند و جامعه را تحت حاکمیت مسیح گرد هم آورد، هر چیزی که جامعه را از هم بپاشد، محکوم است.

بنابراین، بیایید وسوسه نشویم؛ تسلیم وسوسه رتبه‌بندی گناهان یا رفتارهایی که از بقیه گناه‌آلودتر هستند، نشویم. و ضمناً این فهرست کامل نیست. منظور پولس از اینکه این فهرست از هر نوعی تحریک‌آمیز باشد این است که تخیل را برانگیزد تا در مورد انواع رفتارها، پویایی‌های رابطه‌ای و الگوهای گروهی که مخرب زندگی اجتماعی هستند، فکر کند.

هر چیزی که روابط را از هم بپاشد و زندگی کلیسا را خراب کند، کار نفس است. و پولس در آیه ۲۱ به این موضوع اشاره می‌کند. و چیزهایی از این قبیل که من شما را از آنها برحذر می‌دارم، همانطور که قبلاً به شما هشدار داده بودم که کسانی که چنین کارهایی را انجام می‌دهند، پادشاهی خدا را به ارث نخواهند برد.

بنابراین، نه تنها این دو بُعد دارای پویایی هستند، منظورم این است که این بُعد دارای پویایی است. این بُعد دارای پویایی تخریب است. زیرا با پیشرفت زمان و به سمت روز آخرالزمانی خداوند، این قلمرو به پادشاهی خدا تبدیل نخواهد شد.

و جوامعی که زندگی خود را در این قلمرو قرار داده‌اند، در پایان این قلمرو، که نابودی است، سهیم خواهند بود. بنابراین، این هشدار است علیه جامعه غلاطیه، که همیشه در حال پرورش آن عادات زندگی، مراقبت، از آنها و به تعویق انداختن آنها هستند. اما از سوی دیگر، در آیه ۲۲، ثمره روح، عشق، شادی، آرامش صبر، مهربانی، نیکی، وفاداری، ملایمت و خویشترداری است.

هیچ قانونی علیه چنین چیزهایی وجود ندارد. یا به عبارت دیگر، فکر می‌کنم منظور پولس این است که قانون علیه این چیزها نیست. قانون به نوعی ما را به سمت این چیزها ترغیب می‌کند.

اما توجه کنید که اینها همه رفتارهای جمعی هستند که اگر آنها را در جامعه ببینید، می‌دانید که آن جامعه تحت الشعاع، تحت حمایت و نفوذ روح خدا قرار دارد. زیرا خدا در تلاش است تا آنها را در یک جامعه تولید کند. بنابراین، پولس می‌گوید، شما غلاطیان، اگر می‌بینید که این موارد در حال توسعه هستند، شما به نوعی جامعه‌ای هستید که توسط قدرت کیهانی جسم، که ضد خداست و جامعه را نابود می‌کند، تحت نظارت و تحرک قرار گرفته‌اید.

اگر جامعه شما مملو از این نوع رفتارها است، می‌دانید که روح خدا در جامعه شما در حال فعالیت است و به شما زندگی می‌بخشد. بنابراین، این، باز هم، این به نوعی همان چیزی است که پولس می‌گوید، شما می‌توانید بگویید که در جامعه شما چه اتفاقی می‌افتد. رفتارهای رابطه‌ای ملموس نشان می‌دهد که چه نوع واقعیتی کیهانی در واقع در پشت صحنه در حال رخ دادن است.

اکنون، کسانی که به مسیح عیسی تعلق دارند، نفس را با هوس‌ها و امیالشان مصلوب کرده‌اند. به عبارت دیگر، کسانی که به مسیح عیسی تعلق دارند از آن قلمرو بیرون آورده شده‌اند. صلیب ناقوس مرگ آنها برای این دوران بوده است.

آنها اکنون در این فضای کیهانی هستند و جسم را مصلوب کرده‌اند. آنها به دنبال آن احساسات و خواسته‌هایی هستند که دائماً در حال فوران هستند و پویایی‌های مخرب جامعه را ایجاد می‌کنند. بنابراین، در آیه ۲۵، از آنجایی که ما زندگی خود را به واسطه روح داریم، زیرا در این قلمرو جدید به وسیله روح زنده شده‌ایم، بیایید در آنجا زندگی کنیم! این چیزی است که پولس می‌گوید. بیایید مغرور نشویم، یکدیگر را به چالش نکشیم و به یکدیگر حسادت نکنیم.

بیایید به جوامع تفرقه‌انگیزی تبدیل نشویم که در آنها با یکدیگر رقابت می‌کنیم. کاری که به نظر من به عنوان یک بدنه واقعاً متحد از پیروان عیسی جالب است، کاری که به نظر من جالب است این است که این متن را در آیات ۱۹ تا ۲۳ برداریم و فقط میوه‌های روح را اینجا بنویسیم، فضای زیادی نیست، و آن اعمال جسم را اینجا بنویسیم. و سپس در غلاطیان به طور کامل فکر کنیم، و این دایره‌ها را بزرگتر کنیم، و در غلاطیان به طور کامل فکر کنیم که چه رفتارها، نگرش‌ها، اعمال، نشانگرهای هویت، الگوهای گفتاری، چه چیزهایی رفتار اینها در غلاطیان را تشکیل می‌دهند، و سپس نشانگرهای هویت، حالت‌ها، الگوهای گفتاری، رفتارهایی که زندگی اینها در این قلمرو، در غلاطیان را تشکیل می‌دهند، چیستند.

سپس، یک قدم جلوتر بردارید و شروع به تشخیص پویایی‌های مختلف کنید. خوب، اول از همه، فکر می‌کنم اینجا بودن در واقع آسان‌تر است، چون ما همیشه تمایل داریم منفی باشیم. متوجه می‌شویم که مردم ما را اذیت می‌کنند.

ما متوجه نمی‌شویم، و فکر نمی‌کنم اینجا خیلی اوقات خلاقانه فکر می‌کنیم. اما بعد به روزمان برگردیم و این سوال را با یک گروه از خودمان بپرسیم. نشانه‌های هویت معاصر چیستند؟ پویایی‌های رابطه‌ای معاصر چیستند؟ الگوهای گفتاری؟ رفتارهای اجتماعی؟ من به سمت آن کشیده می‌شوم، و متوجه می‌شوم که دیگران هم همین کار را می‌کنند، که من را دیوانه می‌کند.

چه چیزهایی را در فرهنگ خود می‌بینیم که بر جوامع کلیسایی ما تأثیر می‌گذارند؟ و فقط آنها را بنویسید. رفتارهای فریبکارانه. تهمت و افترا.

شایعات. بازی‌های قدرت. ارباب.

هر چه که هست. فقط خلاق باشید و آنها را فهرست کنید. انجام دادنش با یک گروه سرگرم کننده است و من فکر می‌کنم که شما واقعاً باید فضای اضافی ایجاد کنید زیرا تعداد زیادی از آنها وجود دارد که می‌توانیم متوجه آنها شویم.

اما منظور پولس این است که این فهرست‌ها در واقع تخیل ما را تحریک می‌کنند تا به اطراف خود نگاه کنیم، و انواع رفتارهای مخربی را که زندگی خوب جامعه را خراب می‌کنند، ببینیم. اما در اینجا برعکس عمل کنید و در واقع، همانطور که گفتم، فکر می‌کنم انجام این کار دشوارتر است زیرا فکر می‌کنم یکی از ماهیچه‌هایی که هنگام تصور شیوه‌های ممکن زندگی مسیحی بسیار کم تمرین داده شده است، تخیل مسیحی است. اما اگر به انواع چیزهایی که پولس هنگام صحبت در مورد هویت مسیحی در مورد آنها صحبت می‌کند فکر کنیم، برخی از اقدامات، نگرش‌ها، نشانه‌های هویت، رفتارهای جامعه، الگوهای اجتماعی و پویایی‌های رابطه‌ای واقع‌بینانه و قابل دستیابی ممکن چیست؟ برخی از مواردی که می‌توانیم پرورش دهیم و جوامع مسیحی ما را متحول کنند، کدامند؟ چیزهایی مانند اتخاذ حالت‌های تقلید که در آن تصور می‌کنیم با نزدیک شدن به کسی با فروتنی، یک موقعیت درگیری را حل می‌کنیم، گفتن چیزی مانند اینکه ما این سوءتفاهم را داریم، در اینجا جایی است که من در آن هستم، می‌توانید به من کمک کنید تا بفهمم شما در کجا هستید؟ به جای اینکه از این قلمرو به یک موقعیت درگیری نزدیک شوید، کسی را به گوشه‌ای برگردانید، پشت او را به دیوار فشار دهید و او را تحریک کنید تا از خود دفاع کند.

این معمولاً به یک وضعیت مخرب ختم می‌شود. چگونه می‌توانیم در این حوزه، که در آن با کنار گذاشتن تمام اهرم‌ها از همان ابتدا به یک موقعیت نزدیک می‌شویم، اختلاف را حل کنیم؟ یکی از چیزهایی که فکر می‌کنم می‌توان در اینجا مطرح کرد، ارتباط با یکدیگر از حالت‌های اهرم، انباشت قدرت، تسلیم اهرم و تسلیم قدرت است. این در فرزندپروری چگونه به نظر می‌رسد؟ اگر من در کلیسا با کسی باشم و اوضاع در خدمت او رو به رشد باشد، چه احساسی خواهم داشت؟ چگونه به افراد دیگری که با آنها کار می‌کنم یا خدمت می‌کنم، نگاه می‌کنم؟ نشانه‌های هویتی زیادی در عهد جدید وجود دارد و اگر فقط خلاقانه فکر کنیم، می‌توانیم این را به دنیای مدرن خود بیاوریم.

یک کلمه عالی که اینجا واقعاً به آن اشاره نکرده‌ام این است که اگر صلیب چیزی است که مرگ ما را به این دنیا آورده و خلقت کل این قلمرو کیهانی را آغاز کرده است، صلیب نحوه سکونت ما در این قلمرو جدید و نحوه برانگیختن پویایی‌های رستاخیز ذاتی در آن قلمرو است. من فکر می‌کنم آنچه که واقعاً مفید است جستجوی نگرش‌های صلیبی، جستجوی رفتارهای صلیبی و جستجوی الگوهای گفتاری صلیبی است. به

عبارت دیگر، چه نوع الگوهای گفتاری را می‌توانم اتخاذ کنم که به شکل صلیب باشند؟ چه نوع پویایی، رابطه‌ای را می‌توانم اتخاذ کنم که به شکل صلیب باشند؟ زیرا چیزی که می‌توانم از آن مطمئن باشم رویکردهای رابطه‌ای من است، پویایی‌های جامعه ما که به شکل صلیب هستند، مولد پویایی‌های رستاخیز هستند، اگر اینطور باشد که صلیب قلمرو رستاخیز را به ارمغان آورده باشد.

این امید به شکل صلیب است. این امید شگفت‌انگیزی است که در فضای خلقت جدید، این فضای کیهانی خلقت جدید، یافت می‌شود، زیرا خدا آن را از طریق صلیب به ارمغان آورده است؛ هر زمان که من به شکل صلیب هستم، از پویایی رستاخیز لذت می‌برم. بنابراین، یک بار دیگر، برخی از انگیزه‌های الهیاتی اساسی که در غلاطیان راه خود را باز می‌کنند، در محیط معاصر بسیار کاربردی‌تر از برخی از چیزهایی هستند که در ظاهر متن می‌بینیم.

اینها چیزهایی هستند که به نظر من خیلی بیشتر نیاز به توضیح دارند.

این دکتر تیم گامبیس در حال تدریس در مورد کتاب غلاطیان است. این جلسه هفتم در مورد غلاطیان ۵ است. ۲-۲۶